

تاریخ پنہار آیت چہلم — شماره ہفتم

یازده و بیست و دو

Jeff Pippenger

2026-04-04

دانیال باب یازده، آیہ شانزده و آیہ بیست و دو، ہر دو با قانون یک شنبہ ای کہ بہ زودی خواہد آمد، منطبق اند۔ تحقق آیہ دہ در سال ۱۹۸۹ بہ جنگ اوکراین در سال ۲۰۱۴ انجامید، همان گونہ کہ این امر با تحقق نبرد رافیا در آیہ یازده در سال ۲۱۷ پیش از میلاد نشان دادہ شدہ است۔ آیہ یازده تا آیہ شانزده ہمچنین همان آیہ یازده تا آیہ بیست و دو است؛ بنابراین، تاریخ پنہار آیہ چہل، چنان کہ در آیات یازده تا شانزده بازنمایی شدہ است، ہمچنین بہ صورت تاریخ آیہ یازده تا بیست و دو بازنمایی می شود۔ تاریخ پنہار آیہ چہل در آیات یازده تا بیست و دو بازنمایی شدہ است۔

فصل های یازده تا بیست و دو

آن تاریخ پوشیدہ ہمچنین در باب های یازدهم تا بیست و دوم پیدایش، متی، مکاشفہ و آرزوی اعصار نیز بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ آن چہار شاہد باب های «یازدهم تا بیست و دوم» با تاریخ پوشیدہ ہم راستا ہستند، زیرا تاریخ پوشیدہ همان آیات یازدهم تا بیست و دوم دانیال یازدهم است۔ مرکز آن چہار شاہد ہموارہ نشان عہد را مشخص می سازد؛ از عہد مرگ کہ بہ وسیلہ نمرود در باب یازدهم پیدایش نمایانہ شدہ آغاز می شود و بہ فاحشہ روم در باب ہفدہم مکاشفہ پایان می یابد۔

ہفدہ

سوائے متی کے، چاروں گواہ سترہویں باب کو اُس مدت کا وسط قرار دیتے ہیں جس کی وہ تمثیل پیش کرتے ہیں۔ عدد سترہ اُن تین دو سو پچاس سالہ نبوتوں میں بھی تین مرتبہ پایا جاتا ہے جو 457 قبل مسیح، 64 اور 1776 میں شروع ہوئیں۔ اُن میں سے دو خطوط، (پہلا اور آخری) ایک ایسے نقطۂ وسط کی نشان دہی کرتے ہیں جب 457 قبل مسیح کی پہلی خط 207 قبل مسیح میں ختم ہوئی اور 1776 کی آخری خط 2026 میں ختم ہوتی ہے۔ 207 قبل مسیح رافیہ اور پانیوم کی لڑائیوں کے درمیان تھا، اور 2026 ریاستہائے متحدہ کے آخری صدر کی آخری مدتِ صدارت کا وسط ہے۔

در درون سہ خطِ دویست و پنجاہ سالہ، بطلمیوس ہفدہ سال سلطنت کرد۔ در خط نرون، میان سال های ۳۱۳ و ۳۳۰ ہفدہ سال فاصلہ است، و میان نبرد رافیا در ۲۱۷ ق.م. و نبردِ پانیوم در ۲۰۰ ق.م. نیز ہفدہ سال فاصلہ بود۔ سہ تن از چہار شاہد باب های یازده تا بیست و دو، نقطہ میانی دقیق خود را در باب ہفدہ مشخص می سازند۔ از این رو، تاریخ پنہار آیہ چہل در آیات یازده تا بیست و دو ہی همان باب بازنمایی شدہ است، و چہار شاہد باب های یازده تا بیست و دو با همان آیات دقیقاً ہم تراز می شوند۔ تحققِ ہر یک از سہ نبوتِ دویست و پنجاہ سالہ با همان تاریخ دقیقاً انطباق دارد۔ نقطہ میانی بہ عنوان یک نشانہ راہ مورد تأکید قرار گرفتہ است، و بہ طور خاص بہ مثابہٴ نمادِ عہد و مہر قوم خدا شناسانہ می شود۔

دانیال دوازدهم

آیات ہفت، یازده و دوازده از باب دوازدهم دانیال، دورہٴ نہایی مہر شدنِ صد و چہل و چہار ہزار نفر را مشخص می کنند۔ آیہ ہفت، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ را مشخص می کند، و آیہ دوازده، ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ را۔ پراکندگی مذکور در آیہ ہفت کہ در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ پایان یافت و در ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ آغاز شدہ بود، در

آلفا و امگای این سه آیه زمان نبوی که در دانیال ۱۲ قرار دارند، به تصویر کشیده شده بود. آیه میانی ۱۲۹۰ سال، تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه به زودی در راه را به عنوان ۳۰ مشخص می کند، و سپس ۱۲۶۰ را تا بسته شدن مهلت آزمون بشر. سی سال که نمایانگر سن کهنات صد و چهل و چهار هزار نفر است، و ۱۲۶۰ سال که نمونه وار چهل و دو ماه نمادین مکاشفه ۱۳ است.

پیشگویی دوگانه 30 که به دنیال آن هزار و دویست و شصت سال می آید، نمادی از پیشگویی عهد دوگانه ابراهیم و پولس درباره 400 و 430 سال است. نقطه میانی سه آیه مربوط به زمان در دانیال دوازده، نمایانگر شورش حرف سیزدهم است، و در عین حال بر عهد و مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نیز تأکید می ورزد. این سه آیه همچنین با تاریخ پنهان هم راستا هستند، و گواهی دیگری بر این تأکید می افزایند که نقطه میانی نمادی از عهد است.

بهار اور خزان

با همه این خطوط، باید سه شاهد اعیاد بهاری و پاییزی مذکور در لاویان بیست و سه را، که با فصل پنطیکاست در تاریخ صلیب هم راستا و درهم آمیخته اند، در نظر بگیریم. در آنجا فصل، بیست و سه است، که نمادی از کار کفاره مسیح می باشد. این فصل از چهل و چهار آیه تشکیل شده است که به طور نمادین نمایانگر 22 اکتبر 1844 است. 22 اکتبر، 22 روز مه اکتبر را نمایندگی می کند که از روز اول آغاز شده و در روز بیست و دوم پایان می یابد؛ از این رو، مهر اعتبار الفبای عبری را بر خود دارد. و اکتبر که ماه دهم است، هنگامی که در روز بیست و دوم ضرب شود، حاصل آن 220 خواهد بود.

در تقویم عبری، دهمین روز ماه هفتم، روز کفاره بود، و ده ضرب در هفت، هفتاد می شود که نمادی از زمان آزمایشی است. دو هزار و سیصد سال در سال ۱۸۴۴ به پایان رسید، آنگاه که فرشته سوم آمد، چنان که به وسیله فرمان سوم که آن دوره را آغاز کرد، به صورت نمادین نشان داده شده بود. در آن هنگام، هفتاد هفته به عنوان زمان آزمایشی تعیین شده بود که در آغاز ۲,۳۰۰ روز به اسرائیل باستانی تحت اللفظی اختصاص یافت؛ و در پایان آن روزها، دوره آزمایشی برای اسرائیل روحانی جدید به وسیله دهمین روز ماه هفتم نمایان شد، که معادل هفتاد است. ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ مبین نمادین قانون یکشنبه نزدیک الوقوع است، و در همان جا هفتاد سال نمادین زمان آزمایشی برای ادونتیسزم روز هفتم به پایان می رسد، همان گونه که برای یهودیان هنگامی که استیفان سنگسار شد، به پایان رسید.

۱۸۴۴ نمایانگر دوره ای است که در آن دو فرشته آمدند؛ دومی در نخستین نومیدی و سومی در نومیدی عظیم. «۴۴» نمایانگر پیامی دوگانه است، چنان که در آیه چهل و چهار دانیال یازده، در «اخباری از مشرق و شمال» بازنمایی شده است. لاویان بیست و سه از چهل و چهار آیه تشکیل شده است که اعیاد مقدس را به بهاری و پاییزی تقسیم می کنند. آن چهل و چهار آیه نمایانگر پیامی دوگانه اند. این دو فصل هر یک با بیست و دو آیه بازنمایی شده اند؛ از این رو، هم اعیاد بهاری و هم اعیاد پاییزی نمایانگر بیست و دو حرف تقویم عبری هستند. هنگامی که آن دو شاهد بیست و دو آیه ای همراه با فصل پنطیکاست گرد هم آورده می شوند، چارچوبی سه مرحله ای پدید می آورند.

نخستین گام نشان از سه بخش تشکیل شده است که پس از آن پنج روز می آید، چنان که آخرین آن سه گام نشان نیز چنین است. گام نشان میانی، همان سی روز تعلیم رویاروی مسیح است با آنان که برای خدمت در کلیسای ظافر به عنوان کاهنان مسح می شوند. لاویان بیست و سه با تاریخ پنهان آیه چهل هم سو است.

نقاط وسط

میانہ نقطہ، جو پیدائش کے باب گیارہ سے باب بائیس تک کی سلسلہ وار ترتیب میں واقع ہے، باب سترہ ہے، جہاں ابراہیم کے تین مرحلوں پر مشتمل عہد کے دوسرے مرحلے اور ختنہ کی علامت کا قیام عمل میں آیا۔ باب گیارہ سے بائیس تک واقع تمام آیات کے عین وسط میں پیدائش 17:22 ہے:

لیکن اپنا عہد میں اسحاق کے ساتھ قائم کروں گا، جیسے سارہ آئندہ سال اسی مقررہ وقت پر تیرے لیے جنے گی۔ اور وہ اس سے کلام کر کے فارغ ہوا، اور خدا ابراہام کے پاس سے اوپر چلا گیا۔ پیدائش 17:22۔

خدا در آیہ یک آغاز بہ سخن گفتن با ابراہیم کرد و در آیہ بیست و دو گفت و گوی خود را بہ پایان رسانید؛ از این رو، تمام گفت و گوی عہد ختنہ در چارچوب نبوی بیست و دو حرف الفبای عبری قرار دادہ شد، حال آنکہ مضمون این بیست و دو آیہ، آیین ختنہ بود کہ می بایست در روز ہشتم انجام می شد۔ مرکز یا نقطہ میانی این بخش از پیدائش، رابطہ عہدی خدا با صد و چہل و چہار ہزار تن است، چنان کہ در عہد ختنہ ابراہیم نمایانہ شدہ است۔ نقطہ میانی رشتہ فصل ہای یازدہ تا بیست و دو پیدائش، فصل ہفدہ است، و نقطہ میانی مطلق آن فصل، آیہ بیست و دو است، جایی کہ خدا گفت و گوی خود دربارہ عہد را با ابراہیم پایان می دہد؛ و بدین سان، نقطہ میانی در بستر الفبای عبری مشتمل بر بیست و دو حرف قرار می گیرد۔ نقطہ میانی آن بیست و دو آیہ نیز، البتہ، آیہ یازدہ است۔

اور تم اپنی ختنہ گاہ کے گوشت کا ختنہ کرو گے؛ اور یہ میرے اور تمہارے درمیان عہد کا نشان ہوگا۔ پیدائش 17:11۔

نقاط میانی چہار بخش فصل ہای یازدہ تا بیست و دو کتاب مقدس، برای کامل شدن مفہوم نقطہ میانی، سہ آیہ را دربر می گیرد۔

این است عہد من کہ آن را نگاہ خواهید داشت، در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو: ہر ذکوری در میان شما مختون شود۔ و گوشت غلفہ خویش را مختون خواهید کرد، و آن نشانہ عہدی خواہد بود در میان من و شما۔ و ہر ذکوری از شما کہ ہشت روزہ باشد، در نسل ہای شما مختون شود، چہ آن کہ در خانہ زادہ شدہ باشد و چہ آن کہ بہ زر از بیگانہ ای خریدہ شدہ باشد کہ از ذریت تو نباشد۔ پیدائش 17:10-12۔

یک نشان، علامتی است کہ نمایندہ علم است۔ این عبارت دربارہ علم است کہ همان یکصد و چہل و چہار ہزار نفرند۔ طفل ذکور می بایست در ہشت روزگی مختون شود، همان گونه کہ عہد نوح با ہشت نفس در کشتی بود؛ بدین سان عدد ہشت بہ کار گرفتہ می شود تا عہد نوحی را با عہد ابراہیمی بہ ہم پیوند دہد۔ ایشان باید فیلادلفی باشند، زیرا باید مختون شوند؛ چیزی کہ پولس آن را نماد مصلوب شدن جسم معرفی می کند۔ ہنگامی کہ جسم مصلوب می شود، الوہیت مسیح در درون است، و آن ترکیب همان علم است؛ زیرا چنان کہ خواہر وایت می گوید: «ہنگامی کہ سیرت مسیح بہ طور کامل در فرزندان او بازتولید شود، او برای آنان بازخواہد گشت۔»

«سرشت انسانی فاسد است و بہ حق از سوی خدای قدوس محکوم می گردد۔ اما برای گناہکار توبہ کار تدارکی فراہم شدہ است، تا او بہ واسطہ ایمان بہ کفارہ پسر یگانہ خدا، آمرزش گناہان را بیابد، تبرئہ را حاصل کند، بہ فرزندخواندگی در خانوادہ آسمانی پذیرفتہ شود، و وارث پادشاہی خدا گردد۔ دگرگونی شخصیت از طریق عمل روح القدس بہ انجام می رسد؛ همان روحی کہ بر عامل انسانی کار می کند و برحسب اشتیاق و رضایت او بہ انجام این امر، سرشتی نو در او می نشاند۔ صورت خدا در جان بازگردانہ می شود، و او روز بہ روز بہ وسیلہ فیض تقویت و تازہ می گردد، و بیش از پیش قادر می شود کہ شخصیت مسیح را در عدالت و قدوسیت حقیقی بہ گونه ای ہرچہ کامل تر منعکس سازد۔»

«آن روغنی که آنان که به صورت باکره‌های نادان تصویر شده‌اند بدان سخت نیازمندند، چیزی نیست که بر ظاهر نهاده شود. آنان باید حقیقت را به قدس جان درآورند تا آن را پاک سازد، صیقل دهد، و تقدیس نماید. آنچه بدان نیاز دارند نظریه نیست؛ بلکه تعلیمات مقدس کتاب مقدس است، که اصولی نامطمئن و گسیخته نیست، بلکه حقایق زنده‌ای است که مصالح جاودانی را در بر می‌گیرد، مصالحی که در مسیح مرکز می‌یابد. در او نظام کامل حقیقت الهی قرار دارد. نجات جان، از طریق ایمان به مسیح، اساس و ستون حقیقت است. آنان که ایمان راستین به مسیح را به کار می‌بندند، آن را با قدوسیت سیرت و با اطاعت از شریعت خدا آشکار می‌سازند. ایشان درمی‌یابند که حقیقت، آن‌گونه که در عیسی است، تا آسمان امتداد می‌یابد و ابدیت را در بر می‌گیرد. آنان می‌فهمند که شخصیت مسیحی باید نمایانگر شخصیت مسیح باشد و از فیض و راستی لبریز گردد. به ایشان روغن فیض عطا می‌شود، که نوری هرگز خاموش‌ناشدنی را پایدار می‌دارد. روح القدس در دل ایماندار، او را در مسیح کامل می‌سازد. این دلیل قاطع نیست که مرد یا زنی مسیحی است فقط از آن رو که در اوضاع برانگیزاننده احساسات شدید از خود نشان می‌دهد. آن‌که مسیح‌گونه است، در جان خود عنصری عمیق، استوار، و پایدار دارد، و با این همه، به ضعف خویش آگاه است و به وسیله ابلیس فریب داده و گمراه نمی‌شود تا بر خویشتن اعتماد کند. او از کلام خدا شناخت دارد و می‌داند که تنها آنگاه ایمن است که دست خود را در دست عیسی مسیح نهد و چنگ خویش را بر او استوار نگاه دارد.»

شخصیت در بحران آشکار می‌شود. هنگامی که آن ندای جدی در نیمه شب اعلام کرد: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید»، باکره‌گان خفته از خواب خود بیدار شدند، و آشکار گردید که چه کسانی برای آن واقعه آماده‌گی کرده بودند. هر دو گروه غافلگیر شدند، اما یکی برای وضعیت اضطراری آماده بود، و دیگری بی‌آمادگی یافت شد. شخصیت به وسیله اوضاع و احوال آشکار می‌شود. حالت‌های اضطراری، جنس حقیقی شخصیت را نمایان می‌سازند. مصیبتی ناگهانی و پیش‌بینی‌ناشده، سوگواری یا بحرانی، بیماری یا اندوهی غیرمنتظره، چیزی که جان را رودررو با مرگ قرار دهد، حقیقت درونی شخصیت را آشکار خواهد ساخت. آشکار خواهد شد که آیا ایمان واقعی به وعده‌های کلام خدا وجود دارد یا نه. آشکار خواهد شد که آیا جان به وسیله فیض نگاه داشته می‌شود یا نه، و آیا در ظرف همراه چراغ، روغن هست یا نه.

“د امتحان وختونه پر ټولو راځي. موږ د خدای د ازموینې او ثابتولو لاندې څن‌گه چلند کوو؟ ایا زموږ څراغونه مړه کېږي؟ که لا هم یې بل ساتو؟ ایا موږ د هغه سره د خپلې اړیکې له مخې، چې له فضل او حقه ډک دی، د هر بې‌رني حالت لپاره چمتو یو؟ پن‌ځو هوښ‌یارو پېغلو نه شول کولای خپل خوی او سیرت پن‌ځو کم‌عقلو پېغلو ته ورکړي. سیرت باید موږ هر یو د خپل ځان په توگه جوړ کړو. هغه بل چاته نه شي لېږدول کېدای، که څه هم څښتن یې د دې قربانۍ کولو ته چمتو وي. تر هغه چې رحمت لا هم ځن‌ډېږي، ډېر څه شته چې موږ یې د یو بل لپاره کولای شو. موږ کولای شو د مسیح سیرت تمثیل کړو. موږ کولای شو گمراهانو ته وفادارانه خبرداری ورکړو. موږ کولای شو ملامت کړو، توبیخ وکړو، په پوره زغم او تعلیم سره، د مقدس کلام عقیدې زړونو ته ورسولو. موږ کولای شو له زړه خواخوږي وړاندې کړو. موږ کولای شو له یو بل سره او د یو بل لپاره دعا وکړو. د محتاطانه ژوند په کولو، او د سپېڅلې وینا او چلند په ساتلو سره، موږ ښايي د دې بېل‌گه وړاندې کړو چې مسیحي باید څه ډول وي؛ خو هېڅوک بل چاته د خپل سیرت قالب نه شي ورکولای. راځئ دا حقیقت په سمه توگه په پام کې ونیسو چې موږ به نه د ډلو په توگه، بلکې د افرادو په توگه ژغورل کېږو. پر موږ به د هغه سیرت له مخې قضاوت وشي چې موږ جوړ کړی دی. دا خطرناک کار دی چې د ابدیت لپاره د روح تیاری له پامه وغورځول شي، او له خدای سره د روغې کولو چار د مرگ تر بستر پورې وځن‌ډول شي. موږ خپله ابدی سرنوشت د ژوند د ورځنیو معاملو له لارې، او د هغه روح له مخې چې موږ یې څرگندوو، ټاکو. هغه څوک چې په لږ کې وفادار وي، په ډېر کې هم وفادار وي. که موږ مسیح خپل نمونه گرځولی وي، که موږ هماغسې گرځېدلي او کار مو کړی وي لکه څن‌گه چې هغه موږ ته په خپل ژوند کې بېل‌گه

راکړې ده، نو موږ به وتوانېږو چې له هغو جدي ناڅاپیو سره مخامخ شو چې زموږ په تجربه کې به پر موږ راشي، او له خپل زړه ووايو: 'نه زما اراده، بلکې ستا دې وشي.'"

«در زمان آزمایش، یعنی زمانی که ما اکنون در آن زندگی می‌کنیم، باید با آرامش در شرایط نجات تأمل کنیم و مطابق با شرایطی که در کلام خدا مقرر شده است زندگی نماییم. ما باید خود را ساعت به ساعت و روز به روز، به وسیله انضباطی دقیق، تعلیم داده و تربیت کنیم تا هر وظیفه‌ای را به جا آوریم. ما باید با خدا و با عیسی مسیح که او فرستاده است آشنا شویم. در هر آزمایش، این امتیاز از آن ماست که به او تمسک جوییم؛ او که گفته است: «بگذار او به قوت من تمسک جوید تا با من صلح کند؛ و با من صلح خواهد کرد.» خداوند می‌فرماید که او از والدین نیز راغب‌تر است که روح‌القدس را به ما عطا کند تا آنان که به فرزندان خود نان می‌دهند. پس بیایید روغن فیض را در ظرف‌های خود همراه با چراغ‌هایمان داشته باشیم، مبادا در شمار کسانی یافت شویم که به صورت باکره‌های نادان معرفی شده‌اند، که آماده نبودند تا به استقبال داماد بیرون روند.» Review and Herald، 17 سپتامبر 1895.

نشان آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر که به واسطه ختنه ابراهیم و هشت نفری که بر کشتی بودند به طور نمادین معرفی شده بودند، همان باکره‌های دانا در مثالند که در بحران قریب‌الوقوع، شخصیت مسیح را به کمال بازمی‌تابانند. کاملاً بجاست که خواهر وایت آن بخش را با استناد به اشعیا به پایان برد، زیرا این متنی است که به طور مستقیم به زمان مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر اشاره دارد.

در آن روز برای او بسرایید: تاکستانی از شراب سرخ. من، یهوه، آن را نگاه می‌دارم؛ هر لحظه آن را آب می‌دهم؛ مبادا کسی به آن آسیب رساند، شب و روز از آن محافظت می‌کنم. خشم در من نیست؛ کیست که خارها و خس‌ها را در جنگ در برابر من برپا کند؟ از میانشان خواهم گذشت، و همه را با هم خواهم سوزانید. یا بگذارد به قوت من تمسک جوید، تا با من صلح کند؛ و با من صلح خواهد کرد. او سبب خواهد شد آنان که از یعقوب می‌آیند ریشه بدوانند؛ اسرائیل خواهد شکفت و جوانه خواهد زد، و روی جهان را از میوه پر خواهد ساخت. آیا او را چنان زده است که زندگان او را زد؟ یا آیا او بر حسب کشتار آنان که به دست او کشته شدند، کشته شده است؟ به اندازه، هنگامی که شاخه برمی‌آورد، با آن محاکمه خواهد کرد؛ او در روز باد شرقی، باد تند خود را بازمی‌دارد. پس بدین وسیله گناه یعقوب کفاره خواهد شد؛ و تمامی ثمره برداشته شدن گناه او این است: هنگامی که او همه سنگ‌های مذبح را همچون سنگ‌های گچ که خرد و شکسته شده‌اند، می‌سازد، بیشه‌ها و بت‌ها برپا نخواهند ماند. با این همه، شهر حصاردار ویران خواهد شد، و مسکن متروک گشته، چون بیابان رها خواهد شد؛ در آنجا گوساله خواهد چرید، و در آنجا خواهد خوابید، و شاخه‌هایش را خواهد خورد. وقتی شاخه‌هایش خشک شوند، شکسته خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را در آتش می‌نهند؛ زیرا این قومی بی‌فهم‌اند؛ از این رو آن که ایشان را آفرید، بر آنان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را صورت بخشید، بر آنان شفقتی نخواهد نمود. اشعیا ۲: ۲۷-۱۱.

«روز باد شرقی»، هنگامی که گناه یعقوب در حال پاک شدن است و آن طبقه دیگر از «قومی بی‌فهم» گرد آورده شده و سوزانده می‌شوند، زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار است. در آن دوره، هر که بخواهد با مسیح صلح کند، می‌تواند چنین کند، اما حرکات نهایی، شتابان‌اند.

کاهنان می‌بایست در هنگام آغاز خدمت، سی‌ساله باشند، و آن صد و چهل و چهار هزار تن، ملکوت کاهنان پطرس هستند که در ایام آخر، عهد را با خدا تجدید می‌کنند.

شما نیز، همچون سنگ‌های زنده، به صورت خانه‌ای روحانی و کهانتی مقدس بنا می‌شوید تا قربانی‌های روحانی را که به واسطه عیسی مسیح نزد خدا مقبول است، تقدیم کنید. اول پطرس

کاهنان برای خدمت در طی آیین مسحی هشت روزه آماده شده بودند؛ از این رو، عدد هشت نمادی از کهنات مسح شده‌ای است که درون تابوت قرار دارند.

عصای هارون

که ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مسح کھانت کو عہد کے صندوق میں ہارون کی اس لاٹھی کے ذریعے ظاہر کیا گیا ہے جس میں کلیاں پھوٹ آئیں۔ جب ہارون کی لاٹھی میں کلیاں پھوٹیں تو اس نے ہارون اور بنی اسرائیل کے قبائل کی دوسری لاٹھیوں کے درمیان، جن میں کلیاں نہ پھوٹیں، ایک امتیاز قائم کر دیا۔ کتب مقدس میں یہی بارش ہے جو پودوں میں شگوفہ برآوری پیدا کرتی ہے۔

تمام انبیا بہ ایام آخر می پردازند؛ از این رو، عصای کھانت ہارون نمایانگر مسح یک صد و چھل و چھار ہزار نفر در وضعیتی است کہ با ایلیا بر کوہ کرمل و با میلری ہا در سال ۱۸۴۴ مطابقت دارد۔ این، بہ نقطہ ای اشارہ دارد کہ در آن تمایزی روشن میان پیام های راستین و دروغین باران آخر برقرار می شود۔ این تمایز را یوئیل پدیدار می سازد، آنگاہ کہ مشخص می کند «شراب تازہ» از یک طبقہ منقطع شدہ است۔ طبقہ ای کہ شراب تازہ از دھانشان بریدہ شدہ، همان مستان افرایم در اشعیا ہستند۔ ایشان ہمچنین همان کسانی اند کہ در روز پنطیکا ست شاگردان را بہ مستی متہم کردند، و نیز همان یاغیان ۱۸۸۸ ہستند کہ از پدران خود پیروی کردند؛ پدرانی کہ یاغیان ۱۸۶۳ بودند۔ ہمہ آن خطوط نبوت با آن خطی از نبوت ہمسو می شوند کہ خواہر وایت آن را ہنگامی معرفی می کند کہ جہان درمی یابد ادونتیس م حدود یک صد و بیست و پنج سال است کہ از گوی های آتشین نشویل آگاہ بودہ و ہیچ نگفتہ است۔

۸، ہشتاد و ۸

عدد سی و عدد ہشت، نمادہای کھانت آن یکصد و چھل و چھار ہزارند کہ عَلم ایام آخر ہستند و بیانگر اتحاد الوہیت و انسانیت می باشند۔ عدد ہشت، عشر عدد ہشتاد است؛ و ہشتاد، عدد آن ہشتاد کاهن دلیر است کہ ہمراہ با کاهن اعظم در برابر عزیا پادشاہ ایستادگی کردند، آنگاہ کہ او کوشید در مکان مقدس بخور بگذراند۔ عدد ہشتاد و یک، در بستر کھانت کلیسای ظافر، نمایانگر الوہیت متحد با انسانیت است۔ تاریخ شورش عزیا آن کھانت ہشتاد و یک گانہ را دقیقاً بہ همان بحرانی پیوند می دہد کہ با شورش بطلمیوس اندکی پس از نبرد رافیا منطبق است۔ ہمہ انبیا ایام آخر را شناسایی می کنند؛ از این رو، کھانت الوہیت متحد با انسانیت، کہ همان کھانت کلیسای ظافر است و از ہشتاد کاهن انسانی و یک کاهن اعظم الہی تشکیل شدہ است، در تاریخی شناساندہ می شود کہ در سال 2014، ہنگامی کہ جنگ اوکراین آغاز شد، شروع گردید۔

فصل میانی رشتہ دوازده فصلی پیدایش، فصل ہفدہم است۔ آیہ میانی این رشتہ دوازده فصلی، آیہ بیست و دوم است۔ آیہ بیست و دوم پایان آشکار گفت و گویی را میان خدا و ابراہیم مشخص می سازد کہ از آیہ یک آغاز شدہ بود؛ و بدین سان آیہ بیست و دوم بہ عنوان پایان یک خط نبوی شناختہ می شود کہ مہر بیست و دو حرف الفبای عبری را بر خود دارد۔ آیہ میانی این خط بیست و دو آیہ ای، آیہ یازدہم است؛ و این آیہ نیز بہ نوبہ خود میانہ سہ آیہ ای است کہ نشان آن یکصد و چھل و چھار ہزار تن را معرفی می کنند۔ بنابراین، آیہ یازدہم میانہ سہ آیہ متمایز است، و آیہ یازدہم حقیقت اصلی نہ فقط آن بیست و دو آیہ، بلکہ ہمچنین آن سہ آیہ ای را کہ در میان آن ہا قرار دارد، منتقل می کند؛ و از این رو آیہ یازدہم و بیست و دوم را بہ عنوان آغاز و پایان اندیشہ اصلی معین می سازد۔ پس آیات یازدہم تا بیست و دوم فصل ہفدہم، مضمون اصلی فصل های یازدہم تا بیست و دوم است۔

میانہ فصل های یازدہ تا بیست و دو در کتاب متی، فصل شانزدہم است۔

پس به شاگردان خود سفارش فرمود کہ به هیچ کس نگویند کہ او عیسیٰ مسیح است۔ متی 16:20۔

چنان کہ در نقطہٴ میانی سفر پیدایش نیز هست، آیہٴ بیستم پایان گفت و گویٰ مشخص را رقم می زند کہ از آیہٴ سیزدهم، هنگامی کہ مسیح و شاگردان به قیصریہ فیلیپی رسیدند، آغاز شدہ بود۔

اور چون عیسیٰ به نواحی قیصریہ فیلیپی آمد، از شاگردان خود پرسید و گفت: مردم مرا کہ پسر انسانم، چہ کسی می دانند؟ ایشان گفتند: بعضی می گویند یحیی تعمید دہندہ ای؛ بعضی، الیاس؛ و برخی دیگر، ارمیا یا یکی از انبیا۔ به ایشان گفت: اما شما مرا کہ می گویند کہ ہستم؟ شمعون پطرس در پاسخ گفت: تویی مسیح، پسر خدای زندہ۔ عیسیٰ در جواب او گفت: خوشا بہ حال تو، ای شمعون باریونا، زیرا گوشت و خون این را بر تو مکشوف نساختہ است، بلکہ پدر من کہ در آسمان است۔ و من نیز تو را می گویم کہ تو پطرس هستی، و بر این صخرہ کلیسای خود را بنا خواہم کرد، و دروازہ ہای ہاویہ بر آن استیلا خواہد یافت۔ و کلیدہای ملکوت آسمان را بہ تو خواہم داد؛ و آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بستہ خواہد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشودہ خواہد شد۔ آنگاہ شاگردان خود را قدغن فرمود کہ بہ هیچ کس نگویند کہ او عیسیٰ مسیح است۔ متی 16:13-20۔

رافیا و پانیوم

نہ تنها بخش میانی متی بیانگر گفت و گویٰ و موضوعی متمایز است، بلکہ همان گونه کہ نمادپردازی عہدی شہادت پیدایش با نبرد رافیا ہم خوانی دارد، گفت و گویٰ متی نیز در قیصریہ فیلیپی، یعنی پانیوم، روی می دہد۔ پانیوم آیہٴ پانزدہم دانیال یازدہ، نقطہٴ میانی خط دوازدہ فصلی متی است، و رافیای آیہٴ یازدہم دانیال یازدہ، نقطہٴ میانی خط دوازدہ فصلی پیدایش است۔

۲۵۰ سالی کہ در ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز شد، در ۲۰۷ پیش از میلاد بہ پایان رسید؛ نقطہٴ میانی میان رافیہ در آیہٴ یازدہم و پانیوم در آیہٴ پانزدہم، جایی کہ نشان ختنہ ابراہیم و اعتراف پطرس بہ مسیح بہ ہم می پیوندند۔ در خط کتاب متی، پطرس بہ تشخیص خود از مسیح، پسر خدا، در هنگام تعمید او شہادت می دہد۔

سائمن کے معنی ہیں "وہ جو سنتاے" اور بارجونا کے معنی ہیں "کبوتر کا بیٹا"۔ سائمن وہ تھا جس نے مسیح کے بپتسمہ کے پیغام کو سنا، جب روح القدس کبوتر کی صورت میں نازل ہوا۔ مسیح کے بپتسمہ نے 11 اگست 1840 کی تمثیل پیش کی، جب مکاشفہ دس کا زور آور فرشتہ نازل ہوا۔ وہی فرشتہ 9/11 کو بھی نازل ہوا۔ پطرس اُن لوگوں کی نمائندگی کرتا ہے جو 9/11 کو ایک لاکھ چوالیس ہزار کی نسل کے آزمائشی پیغام کے طور پر پہچانتے ہیں۔

پیٹر اُن لوگوں کی نمائندگی کرتا ہے جو خط پر خط کی منہج کو بروئے کار لاتے ہیں۔ وہ فاختہ کا "بیٹا" ہے، پس بطور بیٹا وہ علامتی طور پر آخری نسل کی نمائندگی کرتا ہے۔ پیٹر آخری نسل کی ایک علامت ہے، اور اپنے نام کی علامتی عددیت کے ذریعہ وہ ایک لاکھ چوالیس ہزار کی نمائندگی کرتا ہے۔ پیٹر اُس آخری نسل کی نمائندگی کرتا ہے جو نبوی خط میں مسیح کے ظاہر ہونے کے وقت تمکین کے پیغام کو سنتی ہے۔ پیٹر نے مسیح کے بپتسمہ سے متعلق پیغام کو پہچان لیا تھا، اور یوں پیٹر یسوع کو ممسوح کے طور پر شناخت کر سکا، جو عبرانی میں مسیحا اور یونانی میں کرسٹ ہے۔ پیٹر اُن لوگوں کی نمائندگی کرتا ہے جو یہ سمجھتے ہیں کہ مکاشفہ اٹھارہ کا وہ فرشتہ جو 9/11 کو نازل ہوا، 11 اگست 1840 کو بھی نازل ہوا تھا۔ پیٹر اُن لوگوں کی نمائندگی کرتا ہے جو 9/11 کو ایک حدِ فاصل کے طور پر سمجھتے ہیں، جو صرف دو یا تین خطوط کی گواہی سے قائم ہوتی ہے۔

اعتراف پطرس این است که ۱۱ سپتامبر، رسیدن وای سوم را مشخص می‌سازد، که پیام آزمون برای نسل آخر است. آن اعتراف همان‌جاست که نام تغییر می‌کند. ابراهیم در رافیا است و پطرس در پانیوم، درست پیش از صلیب. میان پانیوم و صلیب، پطرس قرار است از کوه تجلی دیدار کند. در پانیوم است که شمعون، هنگامی که اعتراف خود را درباره پیام آزمون برای نسل خویش ادا کرد، به پطرس تغییر نام می‌یابد. برای صد و چهل و چهار هزار، آن پیام آزمون، اسلام وای سوم است که در تاریخ نبوی در ۱۱ سپتامبر وارد شد.

آغاز آزمون ادونتیسیم در ۱۱ سپتامبر شروع شد، و در پایان آزمون ادونتیسیم، پیام اسلام وای سوم مشخص می‌سازد که نام شمعون چه زمانی و در کجا تغییر می‌یابد. پیامی که پطرس در پایان درک می‌کند، و در آغاز به واسطه پیام ۱۱ سپتامبر به گونه‌ای تمثیلی پیش‌نموده شده بود، همان پیام اصلاح‌شده گلوله‌های آتشین نشویل است. در آنجا عید کرناها هم‌زمان با برافراشته‌شدن علم و در بسته روز کفاره فرا می‌رسد.

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.